

یک شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۰ • ۲۷ محرم الحرام ۱۴۴۳ • ۵ سپتامبر ۲۰۲۱

اخبار

نگاه نویسنده نیویورک تایمز به کتاب «حکومت وحشت»

هندستی اعتدال گرایان چپ و راست در تداوم جنگ‌های بی‌پایان آمریکا
«حکومت وحشت»، اثر جدید، پرحاشیه و دراماتیک اسبنسر اکرم، مرا به یاد سال ۲۰۱۵ می‌اندازد (یادتان می‌آید؟). هنگامی که دونالد جی ترامپ از پله برقی زربین برچش پایین آمد تا نامزدی خود برای کسب نامحتمل بالاترین مقام کشور اعلام کند. او بجای استفاده از کلیشه‌های دلگرم کننده درباره فرشتگان محافظ آمریکا، کاملاً جدی اعلام کرد که ایالات متحده در خطر است: «آخرین باری که ایالات متحده چیزی را برده شد، کی بود؟»

مطمئناً آخرین پیروزی متعلق به هیچکدام از جنگ‌های یک دهه گذشته نبوده است. اکرم، استدلال می‌کند که واکنش آمریکا به حملات ۱۱ سپتامبر امکان حضور فردی مانند ترامپ در جایگاه ریاست جمهوری را فراهم کرد. شواهد و برهان‌های این نظریه تکان‌دهنده در کتاب «حکومت وحشت» با ترکیب بی نظیر پشتکار و پویایی که در اکرم به عنوان یک روزنامه‌نگار و منیت ملی موجود است، به بهترین شکل ارائه شده‌اند. نتیجه آن، روایتی ناراحت‌کنند و تیزردهنده، همراه با استدلال‌هایی هوشمندانه از بیست سال گذشته است.

اکرم نه خبرنگار میدانی خبرگزاری‌های وایرد و گاردین نیز بوده است، نشان می‌دهد که چگونه ترامپ به وضوح چیزی را از دوران پس از ۱۱ سپتامبر فهمید که سیاستمداران حرفه‌ای متوجه آن نشدند. به راه انداختن جنگ‌های بی‌پایان — در افغانستان، در عراق، و علیه تروریسم — هیچ دستاورد قطعی همچون صلح و پیروزی نداشت و در عوض صرفاً موجب دمیدن در آتش «زیرمتنی بدترکیب» شد که ترامپ بطور قابل توجهی نسبت به آن آگاهی داشت. او شاید موضوعی را در این رابطه بسته به ذائقه مخاطب تغییر داده باشد، اما اکرم می‌نویسد که ترامپ درباره یک نکته کلیدی هرگز دچار تزلزل نشد: تصویر غیرسفیدپوست‌ها از تمدن‌های متخاصم خارجی به‌عنوان غارتگر و حتی فاجح.

کتاب «حکومت وحشت» با پیشگفتاری با عنوان «بدترین حمله تروریستی تاریخ آمریکا» شروع می‌شود — عنوانی که برای سالیان متمادی، نه به حادته ۱۱ سپتامبر، بلکه به بمب‌گذاری‌های شهر اوکلانها در سال ۱۹۹۵ اشاره داشت. پس از آن حادثه، بلافاصله مسلمانان مورد اتهام قرار گرفتند. ستون‌نویس‌ها شروع به سرزنش خارجی‌ها و مهاجران کردند. مقصر اصلی حادثه، تیموتی مکوی، اعتراف کرد که معتقد به برتری نژادی سفیدپوست‌ها است. اگرچه شما این را از رسانه‌هایی که در آن زمان عمل مکوی را «بناگرای» می‌خواندند، نمی‌شنیدید.

مکوی در جلسه دادگاه در مقابل هیئت منصفه قرار گرفت و در نهایت به مرگ محکوم شد. اکرم از ما دعوت می‌کند تا واکنش به این دو حادثه را مقایسه کنیم؛ در یکی از آن‌ها شاهد به جریان افتادن روند قضایی هستیم و در دیگری دگرگونی کل دستگاه‌های حکومتی برای واکنش به حملات یازده سپتامبر، در قالب شروع جنگ‌های مرگبار، شیوع محدودیت‌های مهاجرتی و سازوکارهای دقیق و برجزئیات برای تجسس در امور زندگی مردم.

اکرم می‌نویسد: «هنگامی که تروریست‌ها سفیدپوست بودند، آمریکا با اعتراضات قاعده‌مند علیه آزادسازی قدرت‌های قهری، تنبیهی و خشونت‌آمیز دولت همدردی می‌کرد. وقتی تروریسم از نژاد سفید بود، مجرم‌انگاری جمعیت کثیری از آمریکایی‌ها در محلیه کسی نمی‌گنجید.»

«حکومت وحشت» روشن می‌سازد که آنچه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد فراتر از یک عنوان جنایت‌ناپذیر نویسنده نمی‌خواهد ضربه روحی این حادثه را تقلیل دهد. اما اکرم بیان می‌کند که دولت جورج دبلیو بوش به جای آن‌که دشمن را شبکه تروریستی معینی که مسئول حملات بودند تعریف کند، به «بلاتکلیفی عادلانه» سنسولایز قرار داد. وکلای کاخ سفید بر اعطای حاکمات قدرت اجرایی تأکید داشتند، و بوش نیز از یک طرف اصرار داشت که مسلمانان دشمن نیستند و از طرف دیگر جنگ علیه تروریسم را «جنگ صلیبی» توصیف می‌کرد. اکرم می‌نویسد: «در نتیجه تعریفی مبهم از دشمن ساخته شد، شامل هزاران یا شاید میلیون‌ها مسلمان، البته نه همه مسلمانان — اما بدون شک دشمن منصراً مسلمانان بودند.»

اکرم ما را در مسیر دو دهه بعد از حادثه راهنمایی می‌کند و نشان می‌دهد که چطور هرگونه تلاش برای رسیدن به وحدت ملی در واکنش به حادثه ۱۱ سپتامبر تحت شعاع عدم انسجام استبدالی برای جنگ‌های بعد از آن قرار گرفت؛ جنگ‌هایی که به گفته وی، با ابتدا «به لحاظ مفهومی محکوم به فناء بودند. بی‌پایان بودن آن جنگ‌ها منبعی عمیق از بی‌ثباتی بود، همچنان‌که یک درگیری (با عراق) زمینه‌ساز درگیری دیگر (با داعش) شد. اکرم نشان می‌دهد چنین تعبیرها انقدر از واقعیت دور شدند، که دیگر ارزش لفاظیه‌شان را از دست دادند — جنگ هدفمند» (یعنی جنگ)، «بازجویی پیشرفته» (یعنی شکنجه)، «کشتن هدفمند» (یعنی حملات پهپادی)، «روز طولانی مدت غیر مذهبی» (یعنی اعتصاب غذا). باین‌حال، این کتاب روشنگرانه نشان می‌دهد که رویکرد اعتدالی اوباما با تمام «کشتار هدفمند» و وکیل‌بازی‌هایش نمی‌توانست پابرجا بماند. تحت ریاست ترامپ، حملات پهپادی بیشتر از قبل شد و شفافیت در پاسخگویی نیز کاهش یافت. بر اساس یک مطالعه، کمترین بمباران پرشتاب ترامپ در افغانستان تلفات غیرنظامیان را تا ۳۰ درصد افزایش داد.ناگفته نماند که حس دشمنی و بی‌رحمی که برای یک دهه و نیم در مردم دریاخیز شده بود می‌توانست به راحتی بر مهاجران ناگنل کشور آمریکا تأثیر بگذارد. اکرم می‌نویسد: «ترامپ مهمترین درس ۱۱ سپتامبر را آموخته بود: تروریست‌ها هر کس که شما بگویید، هستند»

بی‌توجهی غربی‌ها به حقوق پناهجویان افغانستانی

محمد مهدی سیدناصری، مدرس و پژوهشگر حوزه حقوق و روابط بین‌الملل و نویسنده کتاب‌هایی چون «مقررات حاکم بر معاملات اوراق بهادار در ایران و امارات»، «سازمان ملل متحد را بهتر بشناسیم: ۹۳ پرسش و پاسخ دربارهٔ سازمان ملل متحد به انضمام متن منشور سازمان ملل متحد»، «قتل ناشی از اشتباه در حقوق کیفری: ماهیت و ضمانت اجرای قتل ناشی از اشتباه در حقوق کیفری ایران»، «گروه ویژه اقدام مالی (FATF) را بهتر بشناسیم: ۴۸ پرسش و پاسخ درباره گروه ویژه اقدام مالی به زبان ساده» و «دیوان بین‌المللی دادگستری را بهتر بشناسیم: ۴۸ پرسش و پاسخ درباره دیوان بین‌المللی دادگستری به انضمام متن اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری» در تازه‌ترین یادداشت خود به مسئله موج جدید مهاجرت افغانستانی‌ها پس از تسلط دوباره طالبان و بی‌توجهی غرب به حقوق این پناهجویان پرداخته است. این یادداشت را در ادامه بخوانید:

نوع دوستی و همکاری با هم نوعان از زمانی که زندگی اجتماعی در جامعه بشری شکل گرفته، وجود داشته و مسأله پناهنده، از گذشته در جوامع انسانی مطرح بوده است. در عصر حاضر که زندگی اجتماعی و ارتباط بین افراد جوامع مختلف توسعه چشمگیری پیدا کرده، اندیشه حمایت و همکاری با هم‌نوعان در نظام حقوق جهانی اهمیت بسیاری یافته است. تجلی و ظهور این اندیشه در قالب وضع مقررات حقوقی در دفاع و همکاری از پناهندگان و مهاجران کشورهای مختلف نمایان است، سازمان ملل متحد و مجامع کشورهای مختلف قطننامه‌ها، میثاق‌ها و اعلامیه‌های متعددی را در دفاع از حقوق پناهندگان تصویب کرده‌اند که مورد پذیرش بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است. افرادی که به دلایلی از سرزمین خود رانده یا مجبور به ترک آن می‌شوند، در نظام حقوق بین الملل از مزایا و حقوقی برخوردارند. بنابراین، از جهت نظری و حقوقی مشکل آوارگان مورد توجه جامعه بین الملل قرار گرفته است. اما حقوق و مقررات پناهندگی به دلیل نداشتن پشتوانه اجرایی، از جهت عملی و اجرایی با مشکلات جدی روبه‌رو است، به گونه‌ای که کشورها با توجه به مصالح و منافع ملی خود با پناهندگان برخورد کرده و گاهی مسائل حقوقی تحت الشعاع مسائل سیاسی قرار می‌گیرد.

پناهنده از دیدگاه اسناد بین المللی، به بیگانه‌ای گفته می‌شود که در کشور پذیرنده به دلیل ترس از تعقیب و نیز نجات جان، مل و آزادی خود، به کشورد دیگری پناهنده می‌شود. یکی از موضوعات مهم و جدید در حقوق بین الملل، موضوع حقوق پناهندگان است که در عصر کنونی، علی رغم پیشرفت‌های صنعتی، رعایت اخلاق و حقوق انسانی نسبت به یکدیگر ضعیف، و ستم



و تجاوز به حقوق انسان‌ها، به ویژه نسبت به زبردستان و ضعیفان، بیشتر شده است، به طوری که گاهی موجب فرار و کوچ دسته جمعی عده‌ای از افراد یک کشور به کشور دیگر می‌شود. از این رو، حقوق پناهندگان در کنار سایر بحث‌های حقوقی، در حقوق بین‌الملل مطرح شده است. حمایت از پناهندگان از منظر حقوق بین الملل

کنوانسیون مصوب سال ۱۹۵۱ میلادی ژنو راجع به حقوق پناهندگان که شامل ۴۶ ماده است، بدون شک از مهمترین منابع حقوق پناهندگان در چهارچوب حقوق بین الملل است. اصول و مهمترین تعهدات این کنوانسیون در خصوص پناهندگان عبارتند از تساوی بین افراد و عدم تبعیض، آزادی در امور دینی و مذهبی، اشتغال با دستمزد، آزادی رفت و آمد و تحصیلات. براساس تعریف این کنوانسیون شرایط پناهندگان مصوب سال ۱۹۵۱ میلادی و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ میلادی آن «پناهنده فردی است که به دلایل نژاد، مذهب، ملیت و یا عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقیده سیاسی، ترس موجهی از آزار دارد و در خارج از کشور و وطن اصلی خود به سر می‌برد، چنان‌چه فرد داری این شرایط باشد پناهنده محسوب می‌شود و دولت پذیرنده ملزم به رعایت حقوق پناهنده براساس مواد کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ است.» فردی را که دارای شرایط پناهندگی است، نمی‌توان براساس اصل منع اعاده یا بازگشت قهری به کشوری که حیات یا آزادی آنها در آن کشور در معرض تهدید است، بازگرداند. دولت‌ها با الحاق به کنوانسیون ۱۹۵۱ میلادی و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ متعهد می‌شوند کمیساریای پناهندگان ملل متحد را در اجرای وظایف آن کمک کرده و بر اجرای مفاد کنوانسیون‌های مربوط به پناهندگان، با نظارت کمیساریای پناهندگان همکاری کنند و مواد

وقتی آمریکا و انگلیس قوانین بین‌المللی را زیر پا می‌گذارند؛

بی‌توجهی غربی‌ها به حقوق پناهجویان افغانستانی



کنوانسیون را در خصوص پناهندگان و پناهجویان و افراد مشمول کنوانسیون و پروتکل الحاقی اعمال کنند.

همچنین در بند ۱ ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یکی از اسناد بسیار مهم و بنیادین در موضوع حقوق بشريتوسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی در پاریس به تصویب رسیده است، بیان می‌دارد که: «هر انسانی سزوار و محق به پناهجویی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای پناه دهنده در برابر پیگرد قضایی است.»

به دنبال افزایش مشکلات مرتبط با پناهندگان، سازمان ملل متحد به عنوان یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین سازمان‌های بین المللی در جهان در سال ۲۰۱۶ میلادی در قالب قطعنامه‌ای به شماره ۷۱/۱ مجمع عمومی اعلامیه نیویورک، را به تصویب رساند. در این قطعنامه با اذعان به اجتناب ناپذیر بودن مهاجرت و جابجایی انسان‌ها در طول تاریخ به دلایل مختلفی نظیر جنگ، فقر، درگیری‌های داخلی، بی تابعیتی و حتی تلاش برای یافتن چشم اندازی بهتر برای زندگی، لزوم حمایت از پناهندگان و مهاجران به ویژه زنان و کودکان به عنوان اقبال آسیب پذیر تأکید کرده و آنها را افراد بی‌پناهی توصیف کرد که در معرض انواع مخاطرات و مشکلات روحی، افتادن در دام دزدان و تهپکاران و… قرار دارند که حتی در صورت موفق شدن در رسیدن به مقصد، پناهگاه موقت و غیرقابل اتمی در انتظار آنهاست.

چهارچوب اقدام جامع برای پناهندگان که ضمیمه اعلامیه نیویورک است، به دلیل گستردگی ابعاد مشکلات مربوط به پدیده جابجایی گسترده و مهاجرت انبوه وظیفه تدوین آن بر عهده کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان قرار داده شده و خواسته شده تا در این زمینه همکاری نتگاتنگی با کشورهای مربوط به ویژه کشور مقصد

توسط دبیر‌خانه رویداد؛

برگزیدگان هشتمین مسابقه کتابخوانی پویا معرفی شدند



نفر از دوستانشان که از نویسنده‌های بنام هستند، داستان را دادند و مطالعه کردند. حتی قصه یک بار نوشته شد و ما گفتیم که قصه آماده است و شروع به تصویر‌گری کردیم؛ اما ایشان گفتند که چند مسئله پیش آمده و من می‌خواهم دوباره داستان را به هم بریزم. کار عقب افتاد؛ اما مقداری بهتر شد. الحمدالله حدود یک ماه و نیم قبل از عید غدیر، کتاب رسید و در عرض دو هفته کار چاپش انجام شد و چون کار به مقطع خودش و نزدیک عید غدیر رسید، همین را انتخاب کردیم و برای پویش قرار دادیم. به تعبیری ما کتاب را برای پویش تولید کردیم.

حسینی در پایان، درباره پویش غدیر نشر مهرستان به‌صورت مستمر گفت: اتفاقا در نشر سر همین مسئله بحث داشتیم که آیا کتابی با موضوع غدیر را هر‌ساله با کار و عنوان جدید در سن‌های مختلف داشته باشیم یا نه؟ بنا شد سبستی را برای کتاب‌های با محوریت اهل بیت(ع) داشته باشیم که با چه هدف و موضوعی و برای چه سنی می‌خواهیم کار کنیم. وقتی سیاست کلی روشن شد، پس از مشخص شدن حوزه‌های هدف‌گذاری و قرارگرفتن پویش‌ها در هدف‌گذاری ما و مشخص شدن هدف از برگزاری این پویش‌ها، بنا شد سیاستی دقیق و شفاف برای کتاب‌های اهل‌بیت(ع) نوشته شود که در حال تدوین است. مبتنی بر آن سیاست‌گذاری ما باید ببینیم پویش‌هایمان چگونه است. ممکن است برای غدیر با موضوعات دیگر باشد.

بر اساس اعلام دبیر‌خانه پویش کتابخوانی پویا، پس از اتمام پویش کتابخوانی «بچه‌ای که نمی‌خواست آدم باشد» بر اساس قرعه‌کشی از بین شش‌هزار شرکت‌کننده در این مسابقه، ریحانه منیان سودانی برنده جایزه ۱۰۰ میلیون ریالی شد و طاهارضا حویبر، محمدحسین مشکین‌فام‌فرد، علی حاجی‌صادقی، امیرعلی حمیدیا، سینا زرگر، حلما غلامی مقدم، ثنا اسدان، حسنا هاشمی، هلیا عیسانی، نیکان مزروعی، اسما موتاب صحیح آذر، هانا خلیلی، محمدحسین اسلامیان، سیده نازنین‌زهر شورشینی، محمدحسین ابراهیمی، عرفان عبدلی دهنوی، عاطفه ملالواری، آوا احمدی، ستاره رفصانهضایی و امیرمحمد جعفری برندگان جایزه ۱۰ میلیون ریالی شدند.

محسن کیایی: عدم پرداخت دستمزد عوامل در طول دوره ابتلا به کرونا درست نیست

نیز وجود دارد که برخی از دوستان پشت دوربین پروتکل‌های بهداشتی را رعایت نمی‌کنند، اگر در طول پروژه همه عوامل رعایت کرده و تنها زمان خود را در خانه یا کار سپری کنند می‌توان شرایط را کنترل کرد.

کیایی گفت: معتقدم اگر هم قرار است چنین بندی در قرارداده‌ها ذکر شود، باید تبصره‌ای برای آن در نظر گرفته شود. البته نمی‌توان یک طرفه قضاوت کرد که در واقع این درست نیست که بگویند چون کرونا گرفتید، پس دستمزد شما در این مدت پرداخت نمی‌شود. از طرف دیگر هم نمی‌شود افراد پروتکل‌های بهداشتی را چه سر فیلمبرداری و چه خارج از آن رعایت نکنند.

شماره ۳۲۷۳

اخبار

«تاریخ ایران از نگاهی دیگر»: از تخت جمشید تا بیستون

«از شواهد چنین برمی‌آید که کوروش در این سال به تخت سلطنت نشان جلوس کرده است، پیرینیا او لوحه نئونید شاه بابل آورده که کوروش قبل از فتح اکباتان مدت هشت سال، سلطنت نشان را داشته است» و کتاب تاریخ ایران از نگاهی دیگر به خامه محمد نیک‌بخت، این‌گونه آغاز می‌شود.

آن‌طور که در پیش‌گفتار آمده این اثر، نخستین مجلد از مجموعه ۱۳ جلدی است که به سراسر تاریخ ایران پیش از اسلام می‌پردازد. این کتاب به نوشته مؤلف، «۱۲۱۰ سال تاریخ باستان را در بر گرفته و پس از آن به تاریخ طبری و تاریخ کامل این‌اثیر متصل شده و اینگونه قریب ۶۰۰ سال از تاریخ اسلام و بعد از اسلام نیز در آن گنجانده شده و بدین‌ترتیب ۱۸۰۰ سال از تاریخ ایران در ۱۳ جلد به‌طور سالیانه ثبت گردیده‌است.»

و برگ برنده کتاب همین ثبت سالیانه وقایع است؛ هر فصل کتاب، یک سال از تاریخ شاهنشاهی ایران است و برای نمونه آنچه در آغاز این نوشتار آمد، مربوط به فصل نخست با عنوان «سال یکم شاهنشاهی» است و تا آخر، با «سال صدم شاهنشاهی» که به پایان می‌رسد.

نویسنده نقطهٔ سال شاهنشاهی، سه گاهشماری «مسیحی»، «المیپاد»، «کهن اَسلوکی» و «شکانی» را هم لحاظ کرده و برای مثال، سال یکم شاهنشاهی را برابر با «سال ۵۵۹ و ۵۵۸ قبل از میلاد مسیح، سال دوم المیپاد ۵۵۹ و سال ۱۹۵ احداث رُم» دانسته است. هرچند این ابهام هم وجود دارد که چرا نخستین سال شاهنشاهی، سلطنت کوروش بر نشان در نظر گرفته شده است، زیرا پیشتر در منابع تاریخی حاکمیت مادها، آغاز تاریخ ایران باستان بوده و اگر هم قرار بود سلطنت کوروش و زمانه هخامنشیان باشد، چرا تاجگذاری کوروش پس از فتح بابل مبدأ لحاظ نشده است.

معیار این مجموعه و مشخصان این مجلد، تاریخ ایران باستان به قلم حسن پیرینیا(مشیرالدوله) است و البته به ۶۰ اثر دیگر چون نوشته‌های «آرتور کریستن‌سن، توج دریایی،امیخائیل میخائیلویچ دیاتونوف، عبدالحسین زرین کوب، کلمان هوار، آن‌تودورا لندکه، (محمد عبدالقدیریویچ) داندامایه ریچارد فرای و غیره» رجوع شده است. اگرچه تأکید بسیار نگارنده بر تاریخ پیرینیا کمی عجیب است زیرا علی‌القاعده تاریخ‌نگار باید همه تاریخ را به یک چشم و باصطلاح بی‌طرفانه بنگرد و ببیند و بخواند.

این مجموعه ۱۳ جلدی که ۲۴ سال برای پژوهش و نگارش آن وقت صرف شده است، از «سلطنت کوروش برانشان» آغاز می‌شود و در ششمین سال سلطنت اردشیر یکم به انتها می‌رسد. از ویژگی‌های کتاب این است که نگارنده کوشیده تا تحلیل‌های شخصی را در تألیف اثر دخالت ندهد و هرجا چنین خواسته، ذیل عنوان «تحلیل نگارنده» چنین کرده است. البته صحت و صدق این مدعا را باید که تاریخ‌نگاران تأیید کنند، و ضمن آنکه بگویند این اثر چه تاثری‌هایی دارد و وجه متمیز آن نسبت به تاریخ پیشتر نوشته‌شده چیست.

برای مثال، نویسنده در صفحه ۱۲۴ و ذیل عنوان «۷۰ آبان ورود کوروش به بابل» در «سال بیست‌و یکم شاهنشاهی»، نوشته که «هرودوت شرح این شهر را داده و من برمبنای آن ورود کوروش را حدس می‌زنم» و این درحالی است که تاریخ‌نگاری، بر مستندات پیش می‌رود، نه حدسیات و نه حتی توصیفات افرایق آمیز: «کوروش در تاریخ ۷۰ آبان این سال با یک دنیا افتخار، سوار بر اسب خویش، جلودار، با افکاری که در وجودش موج می‌زد درحالی‌که هیچ‌کس از آن افکار خبر نداشت، به بابل قدم گذاشت.» اگرچه تاریخ، داستان زندگی انسان است، اما باید داستان بر صدق وقایع باشد. دیگر آنکه روز ورود کوروش را هفتم آبان نوشته است. با توجه به آنکه در آن زمان گاهشماری هجری خورشیدی در میان نبود، این تاریخ از کجا آمده است. اگر هم تاریخ دقیق این – به دقت روز و ماه – بهتر بود نگارنده اخذ خود را یادآور می‌شد که این زمان از چه منبعی اخذ شده است. و یا

در صفحه ۱۲۶، نگارنده از کجا می‌داند که «پس از قرائت اعلامیه، شاه برخاست و از پلکان پایین رفت… کوروش به این محوطه وارد شد و دست بل مروک را بر سر کرد و در مقابل آن سر تعظیم فرود آورد.» اما از آنجا که عیب می جمله بگفتی هنرش نیز بگو، در همین فصل، کمی جلودر، برای زیرفصل «استوانه کوروش» محکم و متقن، همه‌چیز بر پایه نوشته‌های پیرینیا و جان مانوئل کوک در «شاهنشاهی هخامنشی» قید شده است.

کتاب خالی از فهرست اعلام است و این جست‌وجوی کلیدواژه‌ها را دشوار و با حتی نشدنی می‌کند که امید است در چاپ دوم اضافه شود.

با وجود این، کتاب، در روزگاری که شاید کمتر کسی پیدا شود که مانند گدشتگان قُفر و فرهنگ ایران، یک‌تنه به تحریر یک اثر چندین‌جلدی همت بگمارد، ما‌خذ گوناگون را توراتر کند، چندین سال عمر بر سر راه آن بگذارد و به پایان برساند، ستودنی است. نخستین جلد مجموعه تاریخ ایران از نگاهی دیگر با عنوان «آمریکا تأثیر بگذارد. اکرم می‌نویسد: «ترامپ مهمترین درس ۱۱ سپتامبر را آموخته بود: تروریست‌ها هر کس که شما بگویید، هستند»



این بازیگر در پایان گفت: تأکید می‌کنم در صورتی که چنین بندی در قرارداد ذکر شود باید این مساله نیز در قرارداد آورده شود که در صورتی که فرد به دلیل حضور در پروژه کرونا گرفته باشد، دستمزدش پرداخت می‌شود.

محسن کیایی بازیگر سینما بیان کرد اینکه به عوامل

بگویند در طول کار در یک فیلم سینمایی، در صورت ابتلا به

کرونا دستمزد دوره بیماری پرداخت نمی‌شود، درست نیست.

محسن کیایی بازیگر و نویسنده سینما و تلویزیون، درباره تغییر قراردادهای سینمایی گفت: از اواخر سال گذشته تا امروز تنها در یکی از پروژه‌های سینمایی حضور داشتم که هنگام عقد قراردادی هیچ بندتی مبنی بر ابتلا به کرونا، دستمزد دوره بیماری پرداخت نمی‌شود، وجود نداشت.

وی ادامه داد: تا امروز هم اگر پروژه‌ای را جلوی دوربین برده باشیم نیز تمام تلاش خود را کرده‌ایم که شرایط مناسب را برای